

# ایسکرا

# ۸۹۳

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

سردبیر عبدال گلپریان

۲۸ تیر ۱۳۹۶، ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۷

Tel: 004915142486244 تلفن تماس با ما

## درباره "مسئله کرد" و راه حل آن مصاحبه با حمید تقوائی

عبدال گلپریان

## آیا آموزش راه حل است؟ پیرامون قتل آتنا اصلانی

جامعه اسلام زده در مقابل چنین رخدادهایی مصونیت ندارد. آیا از حکومتی که قداره بندان با پلمب کردن مراکز و دفاتر حمایت از کودکان که توسط فعالین اجتماعی اداره میشوند، میتوان انتظار داشت که نظام آموزشی سالم در خدمت جامعه و کودکان قرار گیرد؟

چنین توقعی میتواند یک مطالبه باشد نه راه حل. در نظام جمهوری اسلامی نمیتوان چنین مطالبه ای را در کنار دهها خواست و مطالبه دیگر بعنوان راه حل برای پایان دادن قتل و جنایت دانست. الهام افتخاری میگوید کودکان را آموزش دهید اما از آنطرف میگوید اگر اتفاقی برایشان افتاد بدون خجالت کشیدن با خانواده هایشان در میان بگذارند". اگر قرار باشد اتفاقی برای دخترانی چون آتنا

صفحه ۳

اعدام فرد قاتل شده اند. و بالاخره کاربدستان امور قضایی اعلام کرده اند که در صورت صدور حکم اعدام برای فرد قاتل، او را در ملاعام خواهند کشت.

هر کدام از موارد فوق را میتوان بطور جداگانه مورد بررسی قرار داد.

اظهارات الهام افتخاری و همچنین مضمون بیانیه کانون نویسندگان یک نسخه را برای علاج چنین وقایع تلخ و دردناکی توصیه کرده اند. قطعاً تلاش برای تحمیل آموزشهای اولیه و ابتدایی کودکان در مراحل پیش دبستانی و بعد از آن به دولت و حکومت اسلامی، خواسته ای بحق است اما چنین طرحی در قاموس حکومت اسلامی و قوانین این حکومت تاکنون معنا و مفهومی نداشته است. حتی اگر چنین مطالبه ای برای آموزش در دستور سیستم آموزشی هم قرار بگیرد باز هم

انتشار خبر قتل آتنا اصلانی کودک هفت ساله پارس آباد اردبیل پس از آزار و اذیت جنسی او، واکنشهای بسیاری در میان مردم، شبکه های اجتماعی و همچنین برخی از مقامات حکومت اسلامی را به دنبال داشته است..

شاخص ترین این واکنشها عبارت بوده است ازاینکه: الهام فخاری، عضو پنجمین شورای شهر تهران، در حساب توئیتر خود نوشته است: «باید مسائل جنسی به کودکان آموزش داده شود تا اگر اتفاقی برایشان افتاد بدون خجالت کشیدن با خانواده هایشان در میان بگذارند».

کانون صنفی معلمان نیز در بیانیه ای خواستار آموزش بهداشت، سلامت جنسی و توانمند سازی کودکان در برابر آزارهای جنسی شد. برخی از مردم پارس آباد خواستار

زاویه منافع طبقه کارگر صحبت کردم. منظور از "از زاویه طبقه کارگر" نیز این نیست که سوسیالیسم راه حل مساله کرد است. یا حتی سوسیالیستها راه حلی دارند که نمیتواند مورد توافق ناسیونالیستها قرار بگیرد. در شرایطی ممکن است احزاب ناسیونالیست با طرح ما برای حل مساله ملی موافق باشند. اما حتی در این صورت از زاویه منافع طبقه خود با مساله برخورد خواهند کرد و لذا دلایل و اهداف و بویژه تلقی و تبیین و تبلیغات متفاوتی خواهند داشت.

در شرایط حاضر راه حلی که ما برای مساله کرد در ایران ارائه میکنیم از هر نظر با نسخه های ناسیونالیستی متفاوت است. راه حل ما که بروشنی در برنامه یک دنیای بهتر اعلام شده عبارتست از "برگزاری یک رفراندوم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران زیر نظر مراجع رسمی بین المللی". سؤال این رفراندوم جدائی و تشکیل یک کشور مستقل است.

ما نتیجه این رفراندوم را هر چه باشد برسمیت میشناسیم اما در شرایط حاضر جدائی را توصیه نمیکنیم. توصیه ما ماندن در چهارچوب کشور ایران بعنوان شهروندان متساوی الحقوق است و در صورت برگزاری رفراندوم نیز همین را تبلیغ خواهیم کرد.

این سیاست بروشنی صف ما را از ناسیونالیستها - هم ناسیونالیسم فارس و هم ناسیونالیسم کرد- و "راه حل"های آنان جدا میکند. دفاع از رفراندوم آزاد و برسمیت شناختن نتیجه آن

صفحه ۲

ایسکرا: شما چندی پیش در یک گفتگویی با "رادیو پیام کانادا" به "مسئله کرد" و راه حل آن پرداختید. در این مصاحبه کتبی، اجازه بدهید از شما بخواهیم که چند نکته را در مورد همین "مسئله کرد" و راه حل های پیشنهاد شده و پیش رو روشن کنید. ابتدا از نظر شما این "مسئله کرد" چه هست؟

**حمید تقوائی:** منظور از

مساله کرد مساله ای است که بر مبنای ستم ملی به مردم کردستان شکل گرفته است. مسله ملی کلا حاصل شرایطی است که بطور مداوم مردم خواهان رفع ستم ملی و نیروهای سیاسی خواهان جدائی و یا خودمختاری در یک کشور از جانب دولت مرکزی سرکوب میشوند. در این شرایط ستم ملی به یک مساله سیاسی تبدیل میشود و راه حل خود را می طلبد. مساله کرد در ایران یک نمونه مشخص مساله ملی با یک سابقه طولانی و خونبار است.

ایسکرا: شما در همان گفتگو گفتید که "مسئله کرد" فقط راه حل ناسیونالیستی ندارد و راه حل سوسیالیستی هم دارد و بعد اشاره ای هم کردید به "راه حل کردی مسئله آمریکا". منظور شما از راه حل های متفاوت "مسئله کرد" - راه حل سوسیالیستی، راه حل ناسیونالیستی و راه حل کردی مسئله آمریکا - چیست؟

**حمید تقوائی:** من اصطلاح

"راه حل سوسیالیستی" را بکار نبردم بلکه از حل مساله کرد از

### اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۴

عزیزه لطف الهی

### در دفاع از جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

صفحه ۴

محسن الوان ساز

### نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نویدینیان

### ماfiای تجارت آموزشی

صفحه ۶

مهدی فتیحی دبیر ریاضی ناحیه یک سنندج

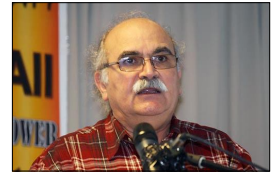
### یاد عزیز رفیق رحمان نجات گرامی باد

صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری ایران

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ درباره "مسئله کرد" و ...



اولا پاسخی است به قدوسیت تمامیت ارضی و سیاست سرکوب "جدائی طلبان" که ده ها سال است موضع و عملکرد دولت مرکزی و ناسیونالیسم فارس، چه در زمان نظام سلطنتی و چه امروز بوده است، و ثانيا در مقابل نسخهائی مانند فدرالیسم و خودمختاری قرار میگیرند که بوسیله نیروهای ناسیونالیسم کرد عنوان میشود. از نظر ما الحاق اجباری کردستان، تحت عنوان پاسداری از تمامیت ارضی و یا به هر بهانه دیگری، کاملا ارتجاعی و نمونه بارز اعمال تبعیض و ستم ملی در عریانترین و وحشیانهترین شکل آنست. از سوی دیگر طرحهایی مانند فدرالیسم و خودمختاری که از جانب نیروهای ناسیونالیست کرد مطرح میشود نیز حاصلی بجز تثبیت و نهادینه کردن تبعیض و ستم ملی ندارد. یعنی به مسائلی دامن میزند که مدعی حل و برطرف کردن آنست.

در مورد اصطلاح "راه حل کردی" مساله آمریکا" من این عبارت را در مقابل "راه حل آمریکائی" مساله کرد" بکار بردم که از جانب برخی از رسانها و حتی نیروهای منتقد موضعگیریهای اخیر کومه‌له و همراهی‌اش با ناسیونالیستهای کرد عنوان میشود. همانطور که در مصاحبه با "رادپو پیام" هم مطرح کردم به نظر من دولت آمریکا راه حلی برای مساله کرد ندارد و چنین ادعائی هم هیچوقت نداشته است. حمایت‌های اخیر دولت آمریکا از احزاب ناسیونالیست کرد در عراق و در سوریه در واقع تلاشی است برای بکار گرفتن این نیروها در پیشبرد اهداف و سیاست‌های منطقه ای خودش.

دولت آمریکا مدتهاست در اثر نافرجامی سیاست‌های میلیتاریستی اش در منطقه (از اواخر دوره ریاست جمهوری بوش پسر) و بازگشت به صحنه و فعال شدن دولت روسیه، ناگزیر شده است سیاست های خود را از طریق دولت‌ها و نیروهای محلی - که آنها هم اهداف و سیاست‌های

مستقل خود را برای پر کردن خلأیی که بخاطر ضعف دولت آمریکا در منطقه ایجاد شده دنبال میکنند - عملی کند و به پیش برسد. احزاب ناسیونالیست کرد یکی از این نیروهای محلی به بازی گرفته شده از جانب دولت آمریکا است. اینها مثل همیشه میخواهند از "شکاف‌های منطقه‌ای" برای مطرح شدن و قدرت گیری خود استفاده کنند. الگوی آنها تجربه حکومت اقلیمی در کردستان عراق است که زیر چتر حریم هوائی آمریکا در جنگ خلیج بقدرت رسید. اما این الگو قابل تکرار نیست. نه دولت آمریکا و نه دولتها و نیروهای منطقه ای که در آن زمان در کنار و یا در برابر آمریکا بودند در موقعیتی نیستند که سناریویی شبیه کردستان عراق را تکرار کنند. به این معنی "راه حل آمریکائی" مساله کرد" امروز حتی پوچ تر و بی معنی تر از گذشته است.

**ایسکرا:** آیا مسئله ملی در هر چهار بخش از منطقه ای که به آن می گوئیم کردستان، یک راه حل دارد؛ چه سوسیالیستی و چه ناسیونالیستی؟ این را لطفا کمی توضیح بدهید.

**حمید تقوائی:** در یک سطح پایهای راه حل ما برای مساله ملی در هر چهار بخش کردستان همان است که در بالا توضیح دادم یعنی برگزاری یک رفراندوم آزاد در مورد جدائی و تشکیل یک کشور مستقل. اما اینکه مشخصا در هر شرایط توصیه ما چیست (جدائی و یا همزیستی در یک کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق) به شرایط سیاسی عمومی - و نه فقط وضعیت ستم ملی و مساله ملی کرد - در هر کشور بستگی دارد. شرایط سیاسی در چهار کشور ایران و عراق و سوریه و ترکیه کاملا از یکدیگر متفاوت است و طبیعا در حل مشخص مساله باید این تفاوتها را در نظر گرفت. این تفاوتها بخصوص امروز با توجه به اوضاع کاملا در هم ریخته منطقه بسیار بیشتر و تعیین کننده تر شده است.

در ایران یک دولت مذهبی حکومت میکند که در کنار و علاوه بر تبعیض و ستم ملی انواع

بیحقوقیها و مصائب سیاسی و اقتصادی را به مردم کردستان و بقیه مردم ایران تحمیل کرده است. در این تردید نیست که جمهوری اسلامی در پیشبرد سیاست‌هاش ناسیونالیسم فارس را هم به خدمت گرفته است، اما میتوان گفت مردم کردستان از اسلامیت حکومت مرکزی بیشتر رنج میکشند تا خصلت ناسیونالیستی آن. در این شرایط مبارزه مردم در کردستان ایران علیه دولت مرکزی، چه برای رفع ستم ملی و چه علیه مشقاتی که جمهوری اسلامی به همه مردم ایران تحمیل کرده است، به بهترین شکل میتواند بعنوان بخشی از جنبش سرنگونی طلبانه همه مردم ایران به پیش برود. بهمین دلیل همانطور که بالاتر توضیح دادم ما برای حل مساله کرد در ایران در شرایط حاضر جدائی را توصیه نمیکنیم. ما خواهان همزیستی مردم کردستان در چهارچوب یک کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق هستیم. اما به نظر من برای بخش‌های دیگر این امر صادق نیست.

سوریه با شرایط فاجعه آمیز و سناریوی سیاه روبرو است و در این شرایط نیروهای ناسیونالیست کرد، در یک توافق ضمنی و دفاکتو با رژیم اسد از یکسو و همراهی با دولت آمریکا از سوی دیگر، میدان مانوری در "شکاف‌های منطقه‌ای" یافته‌اند و در نتیجه مناطق کردنشین از شرایط فاجعه بار دیگر مناطق سوریه نسبتا مصون مانده‌اند. اما این شرایط کاملا ناپایدار و متغییر است و به سرعت میتواند با هر سازش و معامله‌ای بین روسیه و آمریکا به ضرر این نیروها تغییر کند.

دولت ترکیه نیز به بهانه مبارزه با تروریسم بطور مداومی مردم مناطق کردنشین در این کشور را مورد تهاجم نظامی قرار میدهد و سرکوب میکند. در این شرایط برسمیت شناسی حقوق شهروندی مساوی و رفع ستم ملی در این کشور بسیار بعید و دور از دسترس به نظر میرسد.

شرایط در کردستان عراق اساسا با بخش‌های دیگر متفاوت است. در این کشور بیش از ۲۵ سال است که ناسیونالیسم کرد تحت عنوان دولت اقلیمی در منطقه کردستان بقدرت

رسیده است. تبعیض و ستم ملی تا حد زیادی عملا برطرف شده است و دیگر، برخلاف دوره صدام، نه از نظر فرهنگی و نه اقتصادی و اجتماعی، برتری عرب بر کرد مبنای قوانین و سیاستها و مناسبات را تشکیل نمیدهد. اما در عوض بیحقوقی و بی تامینی اقتصادی و فساد و دزدی احزاب و مقامات دولت اقلیمی بیداد میکنند. مسئول و عامل اصلی این وضعیت نه تبعیض و ستم اعمال شده بوسیله دولت مرکزی، نه ناسیونالیسم عرب حاکم در مرکز، بلکه اساسا دولت "خودی" است. کردستان عراق به نظر من نمونه بارز جامعه‌ای است که برطرف شدن ستم و تبعیض ملی باعث شده است تا تبعیض طبقاتی، یعنی علت و ریشه اصلی مسائل و مصائب توده مردم برملا و برجسته شود و جدال طبقاتی بر سر این مسائل بیش از پیش شدت و وسعت بگیرد.

در این شرایط میتوان گفت بورژوازی کرد نیز، با اشغال کرسی ریاست جمهوری در مرکز و در دست داشتن تقریبا تمام قدرت در اقلیم کردستان، باصطلاح به مشروطه اش رسیده است. از دید ناسیونالیسم به تخت نشسته حل مساله ملی به شکل تشکیل دولت خودی و یا هر شکل دیگری، تحصیل حاصل است. اگر هر از چندی احزاب ناسیونالیست کرد دم از رفراندوم و جدائی میزنند این را باید بحساب مانورهای تاکتیکی آنها برای تنظیم مناسباتشان با دولت مرکزی و دیگر دولت‌های منطقه و دولت‌های غربی بویژه آمریکا نوشت.

حزب ما در این شرایط خواهان جدائی کردستان عراق و تشکیل کشور مستقل است به این دلیل که این بهترین راه برای تعمیق و گسترش جدالی است که هم اکنون میان کارگران و توده مردم کردستان عراق با دولت اقلیمی شکل گرفته است.

در مورد کردستان ترکیه نیز با توجه به وضعیتی که توضیح دادم کمونیستها باید جدائی و تشکیل کشور مستقل را توصیه کنند.

در مورد سوریه بدلیل پراکندگی جغرافیائی مناطق کردنشین این کشور جدائی و تشکیل یک کشور مستقل در شرایط حاضر عملا ممکن نیست. بعلاوه به دلیل جنگ داخلی و وضعیت سیاسی بی ثبات و

به شدت متحول در این کشور حل مساله کرد در این سوریه در گرو سامان یافتن و تثبیت نسبی اوضاع سیاسی در سطح سراسری است. توصیه جدائی و یا همزیستی بعنوان شهروندان متساوی الحقوق نهایتا به تغییر و تعیین تکلیف این عوامل بستگی دارد.

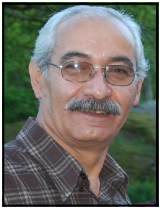
**ایسکرا:** نکته دیگری که در بحث شما و دوستان دیگری هم از جنبش کمونیسم کارگری هست، اینست که شما چیزی به عنوان "جنبش کردستان" را قبول ندارید. می گوئید که در یک دوره ای در بحث‌های حزب کمونیست ایران - دوره ای که شما هم در رهبری آن بودید، این بحث که "کومه له جناح چپ جنبش کردستان است و حزب دمکرات جناح راست آن"، را به چالش کشیدید و در عوض بحث "این دو جریان سیاسی - کومه له و حزب دمکرات - دو جنبش کاملا متفاوت را نمایندگی می کنند"، دست بالا پیدا کرد. این را لطفا توضیح بدهید.

**حمید تقوائی:** مساله به نظر من روشن است. جنبش ناسیونالیستی در کردستان یک جنبش اجتماعی است که به احزاب مختلفی شکل داده است. جنبش کمونیستی نیز جنبش دیگری است که نیروها و احزاب خود را دارد. این احزاب میتوانند بر سر مسائل معینی اتحاد عمل داشته باشند و یا حتی ائتلاف کنند ولی این امر به معنی همسان و حتی نزدیک شدن جنبش ناسیونالیستی و کمونیستی نیست. این نوع نزدیکی ها نباید تفاوت طبقاتی بین این نیروها را مخدوش کند. برعکس در صورت این چنین نزدیکی های تاکتیکی باید بیش از همیشه بر تفاوت طبقاتی این دو جنبش تاکید کرد.

اما علاوه بر این جنبش‌های اصلی طبقاتی، جنبش‌های سیاسی ای نظیر جنبش سرنگونی و یا جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی هم در جامعه وجود دارند. جنبش مقاومت در کردستان - در سال‌های اول بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی - نیز شکل گرفته بود که ما آنرا ادامه انقلاب ۵۷ در کردستان ارزیابی میکردیم. شاید امروز هم کسانی به جنبش

## از صفحه ۲ درباره "مسئله کرد" و ...

## از صفحه ۱ آیا آموزش راه حل ...



عبدل گلپریان

قاتل اصلی این پرونده و هزاران مورد دیگر که ممکن است اخبار آن به بیرون درز نکرده باشد و در آینده رخ دهد، سیستم، قوانین و موازینی است که توسط سران و کاربدستان جمهوری اسلامی وضع و اعمال میشوند.

باید تلاش کرد که آموزش های متعدد مطابق با استانداردهای جهانی در مدارس بعنوان خواست و مطالبه تدریس شود اما صرف این آموزشها تضمین کننده پایان یافتن و حتی کاهش قتل و تجاوز به کودکان نیست. اعدام قاتل آنها هم راه حل نیست بلکه اقدامی برای بازتولید هر چه بیشتر قتل و جنایت در جامعه است.

تنها راه، پایان دادن به این معضل دردناک اجتماعی و صدها درد و رنج دیگر در جامعه، جارو کردن نظام سراپا فاسد و گندیده اسلامی و برقراری جامعه ای سالم، مدرن و انسانی است که میتواند تضمین کننده امنیت، حرمت و کرامت انسانی مردم بویژه کودکان باشد.

۲۶ تیر ۹۶

۱۷ ژوئن ۲۰۱۷

جنایت بالاتر ببرند. این واقعه در نظام جمهوری اسلامی اولین بار نیست که رخ داده است و تا زمانیکه این بختک اسلامی بر سر قدرت باشد همچنان ادامه خواهد داشت.

آنچه که در رابطه با قتل آتنا و آتناها میتوان گفت این است که فقر تحمیل شده به خانواده او و اینکه کودکانی با رقم میلیونی سرنوشت و زندگی فلاکتباری همچون آنها را در خیابانها تجربه میکنند، بدلیل وجود ساختار و قوانین اسلامی این حکومت است که به چنین سرنوشتی دچار شده و میشوند.

جامعه ایران نزدیک به چهار دهه است از قبل وجود این حکومت به یک بیماری مضمّن دچار شده که میلیونها کودک خیابانی، کارتن خواب، کودکان کار و معتاد را از خود بیرون داده است. قاتل آتنا نیز خود یکی از قربانیان

سیستم و نظامی است که امثال لمپن هایی چون سعید طوسی ها را در راس حکومت تولید میکند. در حکومت اسلام که فتوای بنیان گذارش گرفتن رابطه جنسی با دختر شیرخواره و تجاوز به دخترخوانده و دختران بی پناه زیر سن قانونی (تحت عنوان ازدواج) باشد، کماکان شاهد و ناظر این دست از قتل و تجاوز به کودکان خواهیم بود.

بیافتد آیا کشتن شان به آنها مجال این را خواهد داد که بدون خجالت آنرا باخانواده هایشان در میان بگذارند؟ آیا صرف آموزش برای کنار زدن خجالت کشیدن میتواند اثرات روحی، روانی و مخربیه که در ذهن کودکان تا آخر عمرشان بر جای میگذارد را برطرف کرد؟

بنابراین در صورت دادن هر نوع آموزشی به کودکان که باید داده شود اما واقعه ای که رخ میدهد و جان کودک معصوم را میگرد، هیچگاه فرصت بازگو کردن آنرا به خانواده و هیچ کسی را نخواهد داد. این گونه سطحی نگرانی که میتواند یک مطلبه و خواست جامعه باشد نه راه حل، بنوعی ریختن آب پاک بر دستان قاتل اصلی یعنی نظام جمهوری اسلامی، سران و کاربدستان است که میلیونها خانواده همچون خانواده آتنا را در شرایط فقر و تنگدستی بوجود آورده است.

از طرف دیگر آندسته از مردم خشمگین و ناراحت پارس آباد اردبیل که با تقاضای صدور حکم اعدام برای قاتل میکوشند مرهمی بر زخم وارد شده که در حکومت اسلامی امری هر روزه و نهادینه شده است بگذارند، آیا خواسته یا ناخواسته بر قانون قصاص و آدمکشی حکومت اسلامی صحنه نییگذارند؟

مقامات قضایی حکومت طی نزدیک به چهار دهه با بافتن طناب

دار و ساختن چهار پایه برای اجرای قتل عمد دولتی و برای ساکت کردن خشم و اعتراض هر روزه مردم عاصی و بتنگ آمده از وضع موجود، چنین وقایع دردناکی را برای زهر چشم گرفتن از جامعه به فال نیک میکشند تا آمار اعدام هایش را از آنچه که هست در خدمت به بقای خود و تداوم قتل و

تبعیض ملی میدانیم. بنابراین بحث صرفا بر سر موضوعگیری بر سر مسائل پایهای طبقاتی نیست، بلکه در عرصه مشخص مبارزه علیه ستم ملی نیز سیاست عملی و پراتیک هر روزه کمونیستها در نقطه مقابل سیاستها و فعالیتهای نیروهای ناسیونالیست قرار میگیرد.

\*\*\*

نزدیکی سیاسی وقتی معنی میدهد که موضع و سیاست مشابهی وجود داشته باشد. همانطور که اشاره کردم راه حل ما کمونیستها با راه حل ناسیونالیستی مساله کرد متفاوت است. نیروهای ناسیونالیست از فدرالیسم دفاع میکنند و ما این را موجب تشبیت و تشدید نفرت پراکنی و تفرقه قومی و ملی میدانیم و نه راه حل آن. خواست "حقوق ویژه" در راه حل خودمختاری نیز به نوع دیگری تفاوت میان کرد و فارس را نهادینه میکند و رسمیت می بخشد. اما حتی اگر یک نیروی چپ خواهان خودمختاری باشد و یا یک نیروی راست راه حل فراراندوم و جدائی را بپذیرد، تشبیت و مضمون این راه حلها از دیدگاه نیروهای چپ و راست کاملا متفاوت خواهد بود. کما اینکه ما در حزب کمونیست ایران سند حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان را تصویب و منتشر کردیم که کاملا نقطه مقابل تعریف و تصویر بورژوازی کرد از خودمختاری قرار داشت. برای بورژوازی خودمختاری و یا جدائی به معنی آزادی عمل بورژوازی کرد در بازار ملی خود و استثمار کارگر خودی است و در مقابل، امر حزب کارگران حتی اگر از جدائی دفاع کند، تسهیل شرایط سیاسی و اجتماعی برای تعمیق و گسترش مبارزه طبقاتی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی "خودی" است. همانطور که در نمونه کردستان عراق توضیح دادم.

این تفاوت در نقطه عزیمتها و اهداف امری مربوط به فردای بعد از جدائی یا بعد از حل مساله ملی به هر شکل دیگری نیست، بلکه از همین امروز در شیوه برخورد و مضمون تبلیغات و موضعگیری های ما علیه ستم و تبعیض ملی و برای حل مساله ملی منعکس میشود. همین امروز ناسیونالیسم کرد تحت لوای مبارزه علیه ستم ملی بر افتخارات تاریخی ملت کرد و هویت کردی و منافع مشترک خلق کرد تاکید میکند و فارسها را بعنوان منشا همه مصائب ملت کرد معرفی میکند و ما کمونیستها برعکس مقابله با این نوع عوامفریبی ها را بخش لازمی از مبارزه علیه ستم و

خودمختاری و یا جنبش خلق کرد برای رفع ستم ملی معتقد باشند. اما حتی در این صورت نیز کمونیستها شاخه چپ این جنبشها نیستند و نباید اینطور معرفی بشوند. کمونیستها وظیفه دارند در همه جنبشهای حق طلبانه و ضد تبعیض شرکت کنند و فعال باشند اما بخشی از این جنبشها برخاسته از آنها نیستند. بطریق اولی در کردستان نیز کمونیستها و ناسیونالیستها را نباید و نمیتوان شاخه چپ و راست یک جنبش واحد دانست. همانطور که در سطح سراسری نمیتوان و نباید کمونیستها و مثلا سلطنت طلبان و یا مجاهدین را شاخه های مختلف جنبش سرنگونی دانست. میتوان در جنبش سرنگونی و یا هر جنبش بر حق دیگری با نیروهای دیگر وحدت عملهای معینی داشت ولی باید برای همه روشن باشد که این نوعی اتحاد تاکتیکی بین احزاب متعلق به جنبشهای طبقاتی متفاوتی است. تنزل دادن کمونیسم به شاخه چپ این جنبشها عملا آب به آسیاب نیروها و احزاب راست و بورژوائی میریزد که همیشه تلاش میکنند تحت عنوان مصالح ملی و منافع ملت واقعیات طبقاتی را مخدوش کنند. ضرر این امر هزار بار از منافع احتمالی ائتلافهای و اتحاد عملهایی که به این دیدگاه و تشبیت و اعلام تعلق به یک جنبش واحد حاصل میشود بیشتر و خطیرتر است.

**ایسکرا:** نقدی که اکنون شما به کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران دارید این است که کومه له در اصل بحث حزب دمکرات کردستان را پذیرفته است که در ائتلاف و اتحاد با بورژوازی می شود به راه حل مسئله کرد دست یافت. با توجه به بحثهای بالا، آیا به نظر شما نمی شود در یک دوره ای طبقه کارگر و یا حزب این طبقه، لازم باشد با بورژوازی کرد و یا نمایندگان سیاسی آن، ائتلاف کند تا مسئله ملی در کردستان حل شود؟ اگر این تتر اشکالی دارد، لطفا آن اشکال را توضیح بدهید.

**حمید تقوائی:** ائتلاف یا

**دنیایی شاد،  
ایمن و خلاق  
حق مسلم  
کودکان است!**



**نیروهای ناسیونالیست  
از فدرالیسم دفاع میکنند  
و ما این را موجب تشبیت و تشدید  
نفرت پراکنی و تفرقه قومی و ملی  
میدانیم و نه راه حل آن.**

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان عزیزه لطف الهی



### آزادی دو دختر خردسال از جنگ خلافت اسلامی

بنا به اخبار منتشر شده از کردستان عراق، روز یکشنبه شانزدهم ژوئن دو دختر هفت و نه ساله منتسب به ایزدی اهل سنگال که از دست نیروهای خلافت اسلامی داعش نجات پیدا کرده بودند به خانواده هایشان در اردوگاه آوارگان کردستان عراق ملحق شدند. بنا به این خبر طی دوران حاکمیت داعش در موصل، بسیاری از شهروندان اهل موصل افرادی بویژه زنان و کودکان ایزدی را در منازل خود مخفی کرده تا از قتل و جنایات حکومت خلافت اسلامی در امان باشند.

### مردی همسر و فرد دیگری را بقتل رساند

روز شنبه ۱۵ ژوئن در شهرک زرگاری در منطقه خبات اربیل مردی ۲۹ ساله هنگام بازگشت به منزل همسر ۲۴ ساله صاحب دو فرزند و شخص دیگری را که در منزل او بود بقتل رساند. قاتل بعد از کشتن این دو نفر متواری شده است.

### کردستان عراق سوران

روز دوشنبه سوم ژوئن دختر ۱۷ ساله ای در منطقه سوران توسط عموی خود بقتل رسید. مقتول با نام روزین سفر مصطفی دانش آموز مرحله نهم، بوسیله چاقو توسط عمویش بقتل میرسد. از جزئیات این واقعه خبری منتشر نشده است.

### انتقام جویی رئیس بهداری اوین مانع اعزام آتنا دائمی به مرکز درمانی شد

در حالی که پس از مدتها تلاش، خانواده آتنا دائمی، کنشگر مدنی محبوس در زندان اوین موفق به گرفتن اجازه مسئولین و پذیرش از مرکز درمانی خارج از زندان برای رسیدگی پیشرفته و تخصصی به بیماری کلیوی این زندانی شده بودند، در آخرین دقائق رئیس زندان اوین با اعمال سلیقه و به دلیل مشکل شخصی خود با این زندانی از اعزام آتنا دائمی به مرکز درمانی مورد اشاره جلوگیری کرد. عباس خانی، رئیس بهداری اوین از اینکه

عملکرد او در قبال زندانیان سیاسی بازتاب های رسانه ای داشته اظهار ناراحتی کرده و زندانیان از جمله آتنا دائمی را به تلافی جویی تهدید کرده بود.

### شهناز اکملی

**به دادسرای اوین احضار شد**  
شهناز اکملی مادر مصطفی کریم بیگی، از جان باختگان اعتراضات سال ۸۸، طی تماسی تلفنی، شنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۶، به دادسرای اوین احضار شد.

### مرگ یک زن در آسانسور بیمارستان مسیح دانشوری

روز پنجشنبه ۲۲ تیر ۹۶ زن ۴۱ ساله با سقوط از آسانسور بیمارستان مسیح دانشوری، جان خود را از دست داد. در سانحه مذکور، این زن با سقوط از آسانسور در طبقه همکف به طبقه منفی ۲ جان باخت. عدم استاندارد بودن و فرسودگی سیستم آسانسور در ایران تا کنون جان افراد زیادی را گرفته است.

### تجاوز و خودکشی در استان گلستان

دختر ۱۴ ساله ای در استان گلستان که مورد تجاوز مردی از آشنایان قرار گرفته بود دست به خودکشی زد و در بیمارستان جان باخت. علاوه بر این مورد چهار دختر پانزده ساله در شهرهای نیشابور، لاهیجان، اهواز و گچساران در هفته های اخیر اقدام به خودکشی کرده اند. سهم نوجوانان ایرانی از خودکشی ها سالانه بیش از ۷ درصد برآورد می شود.

### مرگ ۱۶ پرستار به دلیل فشار کاری زیاد

رئیس کل سازمان نظام پرستاری کشور از مرگ ۱۶ پرستار به دلیل فشار کار زیاد طی یک سال و نیم گذشته خبر داد و گفت که "در وزارت بهداشت با پدیده مافیایی روبرو هستیم و معتقدم اگر به نظرات کارشناسی ما توجه نشود به مشکلات افزوده خواهد شد."

### آیا آموزش کودکان در مقابل تقرضات جنسی راه حل است؟

کانون صنفی معلمان در بیانیه

ای پیرامون قتل آتنا اصلانی گفته است: "آموزش بهداشت و سلامت جنسی و توانمند سازی کودکان در برابر آزار باید در اولویت قرار گیرد."

چنین توقعی میتواند یک مطالبه باشد نه راه حل. در نظام جمهوری اسلامی نمیتوان چنین مطالبه ای را در کنار دهها خواست و مطالبه دیگر بعنوان راه حل برای پایان دادن قتل و جنایت دانست. الهام افتخاری میگوید کودکان را آموزش دهید اما از آنطرف میگوید اگر اتفاقی برایشان افتاد بدون خجالت کشیدن یا خانواده هایشان در میان بگذارند. "اگر قرار باشد اتفاقی برای دخترانی چون آتنا بیافتد آیا کشتن شان به آنها مجال این را خواهد داد که بدون خجالت آنرا با خانواده هایشان در میان بگذارند؟ آیا صرف آموزش برای کنار زدن خجالت کشیدن میتواند اثرات روحی، روانی و مخربی که در ذهن کودکان تا آخر عمرشان بر جای میگذارد را برطرف کرد؟

### ثبت ازدواج ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی

مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده استانداری خراسان رضوی گفت "به گزارش ثبت احوال تنها ۱۰ دختر در هفت شهر خراسان رضوی در سن زیر ۱۰ سال ازدواج کرده اند و ازدواج ۲۷ پسر زیر ۱۵ سال نیز ثبت شده است که باید تلاش شود این آسیبها به حداقل برسد وی افزود بر اساس یک پژوهش در هفت استان کشور در حوزه ازدواج کودکان، خراسان رضوی در بین آنها بدترین شرایط را دارد."

### مجوز کنسرت زنان فقط برای دو شهر

یک عضو سابق گروه همناوزان شیدای محمد رضا لطفی می گوید صدور مجوز استانی برای برگزاری کنسرت زنان برای زنان در عمل متوقف شده و در حال حاضر تنها برای دو شهر سمنج و تهران چنین مجوزی صادر می شود.

### دو چرخه سواری دختران در افغانستان

برای مبارزه با مواد مخدر مسابقه دوچرخه سواری دختران روز یکشنبه ۲۵ تیر در ولایت بامیان افغانستان به مناسبت گرامیداشت روز مبارزه با مواد مخدر برگزار شد.

## در دفاع از جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان



جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان ۲ ماه است پلمپ شده است. نهادی که هیچ بودجه ای از هیچ نهادی دریافت نمی کند و هدفش آموزش سواد به دردمندترین انسانهای محروم از حقوق اولیه انسانی است.

محسن الوان ساز مجله فرهنگی ابزورد پول قرض می کنی که بچه ات را به بهترین مدرسه بفرستی تا درس بخواند و کار پیدا کند تا با آن پول درآورد! چه کسی طراح چنین مزخرفیست؟! مدارس به کودکان ما چه

آموختنند؟ خواندن و نوشتن؟ در ده جلسه یک شاگرد باهوش و در پانزده جلسه یک شاگرد کندذهن می تواند سواد یاد بگیرد! بله درست خوانداید در پانزده تا سی ساعت یک انسان هفت تا هفتاد ساله می تواند به راحتی بخواند و بنویسد کل آموزش نه ساله تا پیش دانشگاهی را در سه تا پنج سال می توان به یک انسان با بهره هوشی متوسط آموخت. این پروژه ای است که عمو خیاط آن را عملی کرد.

در شانزده سال گذشته با فعالیت این انسان، هزاران کودک کار و خیابان با سواد شدند. دهها تن به دانشگاه رفتند و اما شهادت برای خود عمو خیاط چیزی نبود جز از دست رفتن سالیان عمری که می توانست صرف معرفیت و

تجارت خود کند. عمو خیاط اندوزی شود. بارها و بارها از طرف دولت ها و آموزش و پرورش (کارخانه تولید احق برای اجتماع کاملاً تضمینی!) مورد تهدید قرار گرفت. خانه کودک شوش و پاسگاه نعمت آباد تعطیل شد تا به جایش هایپرمارکت بسازند!

عمو خیاط انسانیت که دیدگاه خیره ای ندارد. کسی است که به توانمند سازی انسان باور دارد نه تزریق مسکن برای رهایی از درد در لحظه اکنون.

عمو خیاط ها فارغ از تمام دعوای سیاسی هیچ گاه کافه نشین نشدند، هیچ هشتگی را در فضای مجازی تولید نکردند و هیچ کس صدایشان را نشنیدند زندگی شان صرف کمک به انسان شد و ما آنرا بر گرفته از تاریخ نامشان را از خاطر برده ایم.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان دو ماه است که پلمپ شده است. جمعیت مردم نهادی که هیچ بودجه ای از هیچ نهادی دریافت نمی کند و هدفش آموزش سواد به دردمندترین انسانهای محروم از حقوق اولیه انسانی است. معلمان عاشقی که علیرغم پلمپ جمعیت در پارک های اطراف، همچنان فعالیت بشردوستانه خود را دنبال می کنند. صدایشان باشیم و یاریشان کنیم.

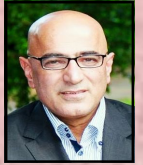
\*\*\*

\*\*\*

### باز هم تجاوز و قتل دختر بچه ها

کیمیا دختر ۷ ساله اهل کرج که گفته میشود بیش از ۷۰ بار مورد تجاوز ناپدری قرار گرفته بود اکنون در بهزیستی نگهداری می شود. بنا به خبر دیگر دختر ۱۷ ساله اهل بجنورد در پی مقاومت در مقابل

تجاوز جان باخت. همچنین دادستان عمومی بجنورد از وقوع قتل دختری در منطقه حصار گرمخان این شهرستان در اثر سقوط از پشت بام و دستگیری دو نفر در این زمینه خبر داد.



نسان نودینیان

## نگاه هفته:

مجموعه اخبار و گزارشات  
هفته از شهرهای کردستاناعماق فقر و تراژدی مرگ  
ثریا عباسی!

در شلمش از روستاهای سردشت دختری ۱۹ ساله ثریا عباس پور بعد از مدتی دست و پنجه نرم کردن با سرطان در حالی که حالش به سوی بهبودی می رفت و دکترها به بازگشت سلامتی امیدوار بودند به علت هزینه های سرسام آور درمان و برای رهایی خانواده ی فقیرش از دست هزینه های بیماریش با تفنگ ته پر دست به خود کشی میزند و به زندگی خاتمه میدهد.

از تلگرام کمنه پیگیری ایجاد  
تشکل های کارگری ایران

گزارش میکائیل صدیقی  
میکائیل صدیقی (رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد) از برگزاری یک نشست با حضور اعضای انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان، سروآباد و انجمن صنفی کارگران ساختمانی سقز خبر داد.  
وی موضوعات این نشست را تلاش در جهت ارائه راه حل برای فراهم آوردن تسهیلات بیشتر برای کارگران عضو این دو انجمن و بررسی فعالیت های دو انجمن و همچنین بحث در ارتباط با سامانه رفاهی کارگران ساختمانی عنوان کرد.

صدیقی با بیان این که کارگران ساختمانی برای بهر مند شدن از سهمیه بیمه باید در این سامانه خدمات رفاهی ایرانیان ثبت نام و بازرسی ها از طریق بازرسی انجمن های صنفی تایید و همچنین در مرحله بعد مورد تایید سربازرس هر استان قرار بگیرد، گفت: در نشستی که برگزار کردیم، بر اهمیت انجام بازرسی ها در کمترین زمان ممکن تاکید شد.

سربازرس بیمه کارگران ساختمانی در استان کردستان با تاکید بر لزوم ارتباط و تعامل سازنده تشکلهای و نهادهای کارگری در جهت پیگیری مطالبات افزود: متأسفانه اکنون در خیلی از

شهرستان های استان کردستان کارگران ساختمانی زیادی هستند که چندین سال در صف و نوبت بیمه شدن هستند شهرستان هایی از قبیل مریوان و سروآباد، سقز، کامیاران، بانه، دیواندره، دهگلان و... در این شهرستانها بایستی انجمن های صنفی تمام قد وارد میدان عمل شوند و با تعامل با یکدیگر، امر مطالبه گری را علی الخصوص در مورد بیمه، سرعت ببخشند.

## دیدار بهنام ابراهیم زاده

از خانواده محمد عبدالله قادر  
اهل سلیمانیه عراق در تهران.  
راژور عبدالله قادر که یک فوتبالیست است، در تهران تحت عمل جراحی زانو قرار گرفت و به سلیمانیه عراق برگشته است.  
او یکی از فعالین چپ در سلیمانیه است، وی در یک مصاحبه تلویزیونی خطاب به مسئولین حکومت اقلیم کردستان گفته بود: همه شما دزد هستید و جامعه هنوز سازماندهی نشده است. اگر جامعه سازماندهی شود حکومت شما را ویران خواهد کرد. همچنین او یکی از فعالین تظاهرات کارگران و معلمان در دو سه سال اخیر است. او در سلیمانیه شعار "نه مسعود نه عبادی/ نان شکوه آزادی" را سر داده بود.

زنده باد برابری،

زنده باد انسانیت.

زنده باد بهنام ابراهیم زاده.  
برقرار باد پیوند طبقاتی کارگران

بازداشت فعالین تلگرامی  
مهاباد!

دو فعال تلگرامی اهل مهاباد از سوی حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافتند. "جمال تنهایی" یکی از دستگیر شدگان است.

"جمال رحمانی" با شلیک  
مستقیم نیروهای انتظامی جمهوری  
اسلامی کشته شد

یکشنبه هجدهم تیرماه،

مأموران انتظامی خودروی شخصی "جمال رحمانی" اهل کامیاران در اطراف فرودگاه کرمانشاه را به رگبار بستند و در نتیجه وی جان خود را از دست داد.

زندانی محکوم به اعدام  
از اعدام نجات پیدا کرد

عبدالله پشتکار که قاتل همسر خود بوده است، توسط خانواده همسرش که بدست او بقتل رسیده بود، مورد بخشش قرار گرفت. فعالین مدنی شهرک صاحب از توابع سقز در پروسه بخشش فعالانه حضور داشته اند.  
قتلهای ناموسی تحت هر شرایطی قابل توضیح و توجیه نیستند. اما مجازات اعدام اشد تنبیه دولتی و قتل عمد دولتهایی است که در قوانین آنها اعدام وجود دارد. اقدام به بخشش گامی مهم در دفاع از حق حیات است.

بخشهایی از نامه سرگشاده  
پروانه و معصومه خواهران رامین  
حسین پناهی زندانی سیاسی

مقامات عالی رتبه جهان شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نهادهای مدافع حقوق بشر و وجدان های بیدار مردم آزادی خواه ایران و کردستان

همانگونه که اطلاع دارید "رامین حسین پناهی" برادر کوچکتر ما، ۲۰ روز پیش در شرایطی که مورد هدف سه گلوله قرار گرفته بود، از سوی نیروهای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد؛ با وجود پیگیری های مکرر خانواده ما با مراجعه به نهادهای امنیتی، تاکنون از سرنوشت برادرمان هیچ گونه خبری در دست نیست.

روز جمعه دوم تیرماه ۱۳۹۶، در حالی که دو تن از اعضای خانواده ما به قصد دید و بازدید و دیدار از والدین پیرمان به منزل پدری مراجعه می کنند، نیروهای امنیتی بدون اخطار قبلی ماشین ایشان را به گلوله بسته بودند. متأسفانه سه تن از سرنشینان جان خود را از دست دادند و رامین برادر ما به شدت زخمی شد.

همچنین پس از آن، چهار تن از بستگان ما که پیگیر وضعیت وی شدند، همگی بازداشت شدند و کماکان هیچ اطلاعی از ایشان در دست نیست.

پس از این حادثه فشار نیروهای امنیتی، اطلاعاتی به خانواده ما شدت گرفته است و چند نفر از اعضای خانواده ما به نام های "افشین حسین پناهی"، "زبیر حسین پناهی" و "احمد حسین پناهی" بازداشت شدند و روز گذشته هم "عباس حسین پناهی" که جهت جویای خبر رامین به منزل پدرمان آمده بود، بازداشت شد و تاکنون از سرنوشت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست.

وجدان های بیدار؛ بنابه خبری که به ما رسیده است، رامین تحت شدیدترین فشار و شکنجه ها قرار دارد؛ به طوری که کلیه چپ خود را از دست داده است و با ادامه این شکنجه ها امکان مرگ وی نیز وجود دارد. بنا به اخبار رسیده، وزارت اطلاعات در نظر دارد ایشان را وادار به اعتراف اجباری دروغین علیه خود نماید. نهادهای امنیتی می خواهند سناریوی غیرانسانی و غیراخلاقی خود را بار دیگر به نمایش بگذارند، بدرفتاری هایی که جمهوری اسلامی در انجام آن شهره جهان است.

رامین جوانی بیست و دو ساله است که زخمی و سه گلوله به بدنش اصابت کرده است، با این وضعیت در زیر فشار شدید بازجویان و شکنجه غیرانسانی قرار گرفته است. عزیزان و برادران و خواهران؛ هم کنون از خانواده بزرگ ما، تنها ما و پدری پیر و مادری مریض مانده ایم که پیگیر وضعیت برادرانمان هستیم، از این رو ما دو خواهر "رامین حسین پناهی" از کلیه نهادها و مجامع بین المللی و همچنین از شاهایی که همواره از ما حمایت کرده اید، خواهانیم که با مداخله جدی و موثر از وقوع یک

فاجعه دیگر برای خانواده ما جلوگیری کنید.

تشکیل زنجیره انسانی در  
حمایت از دریاچه ارومیه  
و بازداشت یک فعال

۲۳ تیرماه علیرغم مخالفت نیروهای انتظامی جمعی از فعالان مدنی و مدافعان محیط زیست محلی با تشکیل زنجیره ای انسانی در محل پل میانگذر ارومیه و در دست گرفتن شعارها و بنرهایی خواستار توجه به وضعیت این دریاچه شدند. در پی تلاش نیروی انتظامی برای پراکنده کردن این تجمع و پافشاری فعالان مدنی حاضر در محل یک شهروند ارومیه ای به نام "محمد حسین زاده" توسط این نیروها بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شد. این تجمع با قرائت بیانیه ای از سوی یکی از فعالین مدنی حاضر در محل پایان یافت.

محسن عمرانی  
معلم فعال را آزاد کنید!

ما امضاکنندگان این بیانیه به عنوان جمعی از فعالان صنفی اعلام می کنیم زندانی کردن امثال محسن عمرانی در اراده ما برای پیگیری مطالبات صنفی و آموزشی خللی ایجاد نخواهد کرد و ما بیش از پیش بر یک زندگی شرافتمندانه برای همه از جمله معلمان و همچنین آموزش با کیفیت و برابر و فارغ از مناسبات پولی تاکید داریم و در این مسیر از تمام ظرفیت های مدنی و قانونی و برحق خود برای تحقق مطالبات و برداشته شدن نگاه امنیتی از فعالیت صنفی و آزادی معلمان دربند بخصوص همکار دربندمان، محسن عمرانی استفاده خواهیم کرد. \*

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مسلکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح دست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاو و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتکون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

## مافیای تجارت آموزشی

مهدی فتحي

دبير رياضی ناحیه یک سنندج

سیزده و نیم میلیون دانش آموز و یک میلیون معلم، و به تبع آن بیش از نصفی از جامعه ی حدوداً هشتاد میلیونی ایران فدای زیاده خواهی و مال اندوزی عده ای شده اند که آموزش و تربیت کودکان و آینده سازان این کشور را با چپس و پفک اشتباه گرفته اند. و می خواهند از هر طریقی که می شود، ثروتمند شده و برای خودشان در جامعه کسی باشند. افرادی که حاضر نیستند حتی یک قدم هم از اهداف شوم خود عقب نشینی کرده، و شوربختانه هر روز که می گذرد بیشتر جلو رفته، و حتی یک قدم به عقب و دو قدم به جلو هم نمی کنند. و همه قدم هایشان همواره رو به جلو است. سیستم آموزشی کشور را به گند کشیده اند و دانش آموزان را به جان هم انداخته و از همه بدتر، اولیای دانش آموزان را به جان کودکانشان جهت تیزهوش شدن و موفق شدن در این سیستم نادرست آموزشی انداخته اند. و بدین سان هرچقدر که جلو می رویم، کودکان بیش از پیش از مدارس فراری شده، ترک تحصیل رواج بیشتری یافته، و بر میزان جرم و جنایت و آمار زندانیان افزوده می شود. در کشوری که ادعای مرکزیت جهان اسلام را دارد، بیش از چهل میلیون پرونده قضایی رسمی و برملا شدن اختلاس ها و رانت خواری ها و رشوه خواری های متعدد، واقعا جای این را ندارد که به فکر فرو رویم؟ و چاره ای برای پیش گیری از این اوضاع بیندیشیم؟ آن هم در حالی که بیش از ۱۵ میلیون کودک زیر ۱۸ سال داریم که برایشان پرونده قضایی تشکیل نمی شود...

آیا در کشوری که کل بودجه یک سال آموزش و پرورش اش با تمام معوقات و طلب ها و... به سی هزار میلیارد تومان هم نمی رسد، گردش مالی بیش از نوزده هزار میلیارد تومان در موسسات آموزشی خصوصی، مدارس خصوصی، مراکز سنجش نیمه خصوصی و آموزشگاه های آزاد، تجارت با آموزش و بازی با آینده یک مملکت نیست؟ آیا این کودکان و این جامعه چه گناهی کرده اند که باید آینده شان را در گرو مافیای نامعلوم آموزشی و دست های پشت پرده ای بگذارند که اجازه نمی دهند یک سیستم صحیح پرورشی آموزشی و نه آموزشی آزمونی و یا آموزشی مال افزایی در کشور طرح ریزی شده و جامعه را به سمت ایده آل ها سوق دهد؟

مسئله اصلی این است که اگر این نظام آموزشی، آن تغییر اساسی مد نظر را بکند، باید بازار کسب و کار بسیاری از این موسسات و غول های تجاری آموزشی برچیده شده و آموزش و پرورش از سیطره کسب ثروت آنها خارج شود. اینجاست که با رخنه بر اغلب قسمت های مدیریتی دولت و وزارت آموزش و پرورش، نظام آموزشی حاکم بر کشور را به آن سمت و سویی که می خواهند سوق می دهند. به جرأت می توان گفت، اگر تحقیق و تفحص دقیقی در کشور صورت بگیرد، در خواهیم یافت که اکثریت قریب به اتفاق مدیران و فرادستان آموزشی کشور، یا خود بطور مستقیم در این موسسات و تجارت با آموزش کودکان نقش دارند، و یا بطور غیر مستقیم و از طریق بستگان و دوستان درجه یک و دو خود، در منافع اینگونه موسسات سهیم هستند. فلذا تا وضع بر این منوال باشد؛ هرچقدر که افراد دلسوز جامعه در جهت بهبود اوضاع تلاش کنند؛ ره به ترکستان می برند و بیش از پیش منزوی و مطرود خواهند شد. مع الوصف همیشه سعی بر حذف افرادی می کنند، که به چنین اوضاعی معترض می شوند. تا تاجران آموزشی از گردونه رقابت برای مال اندوزی خارج نشوند.

وجود نمره و امتحان و ایجاد فضایی رقابتی بین کودکان از همان ابتدای کودکی، و همچنین تألیف و نشر و تحمیل کتاب هایی پر حجم و سنگین و نامأنوس بر کودکان؛ باعث شده است که بازار کتاب های

کمک آموزشی حتی تا دوره پیش دبستانی نیز رخنه کرده و خانواده ها و کودکانشان را به جان هم بیاندازند. تلاش برای عدم حذف کنکور و حتی کشاندن کنکور و آزمون های ورودی مدارس خاص و از آن بدتر، تأسیس و اشاعه مدارس خاص و جدا کردن دانش آموزان تیزهوش از بقیه، و تلاش خانواده ها برای تیزهوش کردن اجباری کودکان و گرایش به سمت کلاس های خصوصی و فوق برنامه و آزمون های آزمایشی و الخ و هزینه کردن های گزاف در این راه، همگی حاکی از وجود دست های پشت پرده و مافیای مخوف تجارت آموزشی در کشور است.

کودکانی که باید برای پیشرفت و تعالی هرچه بیشتر جامعه تربیت شوند، و آینده این کشور را به بهترین شیوه ممکن بسازند، اکنون فقط دور خودشان می چرخند و مغز هایشان را پر از سوال و تست و آزمون های تشریحی و چهارگزینه ای و مطالب بی ربط کرده اند، و خودشان در حال لذت بردن از منافع مادی حاصله از این خیانت بر جامعه هستند. جالب اینکه کار تا جایی پیش رفته است که هنوز ویرایش جدید کتاب امسال از دفتر تألیف کتب آموزشی وزارت آموزش و پرورش نهایی و خارج نشده است، در کتابفروشی های سطح کشور شاهد کتاب های کمک آموزشی و گام به گام ها و کتاب های کار و... این دست کتاب های درسی ای هستیم که هنوز به چاپ نهایی نرسیده و حتی دست اولین شخص وزارتخانه هم نرسیده است.

اکنون و با این اوصاف، حتی اگر وزیر آموزش و پرورش خود از این منافع سهمی نداشته باشد؛ و بخواهد تغییرات پایه ای و بنیادین در سیستم آموزشی حاکم بر کشور ایجاد نماید، یقیناً در مقابل این ابرقدرت های اقتصادی و تجاری توان مقابله نداشته و جدای از حضور افکار ایندولوژیک حاکم بر آموزش و پرورش، وجود این مافیای تجاری نیز مزید بر علت بوده؛ و قدرت وزیر را در ایجاد تغییر به صفر تقلیل می دهند.

\*\*\*

زنده باد انقلاب انسانی  
برای جامعه ای انسانی!

## یاد عزیز رفیق رحمان نجات گرامی باد

جانباختن ناگهانی رفیق رحمان نجات، کمونیست رزمنده و با سابقه و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران را به خانواده او، به دوستان و همزمانش و به حزب کمونیست ایران صمیمانه تسلیت میگوئیم. رفیق رحمان شخصیتی متین و آرام و استوار داشت و همه کسانی که او را از نزدیک میشناختند صمیمانه دوستش داشتند و احترام خاصی برای وی قائل بودند. با جانباختن رفیق رحمان نجات جنبش کمونیستی ایران یکی از چهره های ارزشمند و محبوب خود را از دست داد.

یاد عزیزش گرامی باد  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ تیر ۱۳۹۶  
۱۵ ژوئیه ۲۰۱۷

## تحصیل رایگان حق همهگان!

آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی  
آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه مقاصد



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.



کلیه کارگران و معلمان و پرستاران باید به استخدام رسمی درآیند!

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!